

## رشد اجتماعی جوانان و نوجوانان و نقش رسانه ها بر آن با تاکید بر برنامه های ماهواره

رقیه علایی<sup>۱</sup>، فهیمه فکری خواجه<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> رقیه علایی، استادیار، گروه آموزش علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی ۸۸۸-۵۶۴۴۱-تهران، ایران

<sup>۲</sup> کارشناس علوم تربیتی گرایش مدیریت و برنامه ریزی آموزشی

### چکیده

رسانه‌ها به عنوان یکی از عوامل جامعه‌پذیری، در کنار خانواده، محیط آموزشی و دوستان، نقش مهمی در رشد و تربیت جنبه‌های گوناگون زندگی جوانان و نوجوانان ایفا می‌کنند. اثرات رسانه بر تربیت فرزندان و نوجوانان از جانب خانواده‌ها امروزه تبدیل به یک نگرانی شدید شده است. امروزه ماهواره به عنوان یکی از رسانه‌ها و ابزارهای اصلی انتقال و گسترش ارزشهای فرهنگی و اجتماعی، در رفتار قشر نوجوان و جوانان و تغییر رفتار اجتماعی آنان، نقش مهمی را ایفا می‌کند. گسترش روز افزون ماهواره‌ها، گسترش بی بندوباری و به وجود آمدن فساد فراگیر در جامعه و به انحطاط کشیده شدن برخی از جوانان و گسترش روز افزون مشروبات الکلی، ایجاد گروه‌های غربی همه نشان از تاثیر روز افزون این شبکه‌های ماهواره‌ای بر مخاطبین خود می‌باشد.

**واژه‌های کلیدی:** رشد اجتماعی، رسانه، ماهواره، جوان و نوجوان.

## مقدمه

رسانه‌ها شبکه‌های گسترده‌ای از وسایل ارتباط جمعی مثل تلویزیون، ماهواره، روزنامه، مجله، موبایل و... را شامل می‌شود. رسانه‌ها انواع مختلفی مثل، رسانه‌های جمعی، رسانه‌های تصویری، رسانه‌های رادیویی، رسانه‌های چاپی، رسانه‌های دیجیتالی و... دارد. امروزه نوجوانان با حجم زیاد اطلاعات توسط رسانه‌ها، می‌توانند آگاهی خود نسبت به اجتماع و جهان را افزایش دهند. کسب آگاهی‌های فرهنگی و سیاسی توسط نوجوانان برای داشتن نسلی از شهروندان مسئولیت پذیر در آینده حیاتی است. نوجوانان به وسیله ارتباط با اخبار، مجلات و شبکه‌های اجتماعی، متوجه می‌شوند که جهان چیزی بیشتر از آن است که در اطراف خود می‌بینند. مسئله ماهواره در سطح بین الملل در سال ۱۹۶۷ در کمیته فرعی حقوقی استفاده صلح جویانه از فضای ماورای جو مطرح شد. یعنی پخش مستقیم ماهواره هنگامی مورد توجه قرار گرفت که تحولات تکنولوژی آنچنان پیشرفته نبوده و به گفته دکتر داود باوند، کارشناس حقوق بین الملل و استاد دانشگاه هدف اولیه استفاده از ماهواره در دهه ۶۰ بیشتر برای توسعه آموزش از جمله مبارزه با بی سوادی بود، بخصوص در جوامعی مثل: استرالیا، روسیه و هند که قلمرو گسترده ای داشتند روستاهای دور دست نمی توانستند از امکان آموزشی و تحصیل برخوردار باشند (هاشمی، ۱۳۸۱، ص ۵۱). متأسفانه امروزه بر اثر رشد و توسعه فزاینده وسایل و ابزار رسانه‌های جمعی و تهاجم گسترده فرهنگ انحطاط و ضد اخلاق، نظام مقدس خانواده دچار تزلزل و بحران شده است و سلامت عمومی جامعه را به سطح پایینی کشانده و باعث عقب افتادگی رشد اجتماعی شده یا به تعبیری رشد اجتماعی<sup>۱</sup> را در مسیری که دارندگان تکنولوژی ماهواره مدنظر دارند کشانده است. در زمان گذشته، خانواده عمدتاً به عنوان تنها نهاد کارگزار جامعه پذیری شناخته می‌شد، ولی امروزه خانواده با توجه به تغییرات صورت گرفته، با رقیبان عمده‌ای برای جامعه‌پذیری نظیر رسانه‌های ارتباط جمعی و نظام آموزشی روبه رو شده است. در این راستا بسیاری از صاحب‌نظران بر این باورند که یکی از آسیب‌های ماهواره به عنوان یک رسانه مدرن، هویت شکنی است. ماهواره‌ها با دنوردیدن دیوارها و مرزها و فروپاشاندن همه خطوط هویت ریشه‌دار، سازمان سنتی جوامع را به نفع یک نظم تازه و دهکده جهانی، هدف می‌گیرند. در این فرآیند، زمانی که هویت به عنوان یک ذخیره تاریخی قطع شود، نظام بنیادین جامعه فرو خواهد ریخت (محمدپور و همکاران، ۱۳۸۹: ص ۵۱). لذا این مقاله نیز سعی دارد تا به این سوال مهم پاسخ دهد که تماشای برنامه های ماهواره چه تاثیری بر رشد اجتماعی و سلامت عمومی جوانان و نوجوانان دارد؟

۲- رشد اجتماعی<sup>۲</sup>

رشد اجتماعی به معنی تکامل روابط اجتماعی فرد است. رشد اجتماعی مستلزم هماهنگی با گروه اجتماعی و پیروی از هنجارها و سنت‌های آن است. برای رسیدن به این مرحله از رشد اجتماعی کودک می‌بایست علایق خود را دگرگون کرده و شیوه‌های جدید رفتار او فراگیرد و دوستان جدیدی را برگزیند (رشد کودک، احمدی و بنی جمال ۱۳۷۱). اهمیت رشد اجتماعی و اجتماعی شدن در آن است که هر کس در جامعه به دنیا می‌آید، در آن نشو و نمو می‌کند و جوانی و بزرگسالی و در واقع زندگی خود را در جامعه می‌گذراند. به این ترتیب فرایند اجتماعی شدن کودک شبیه به خود را دارا می‌شود، کودک علامتی

<sup>۱</sup> -Social growt

<sup>۲</sup> - Socialization

به محیط می‌فرستد در جهت هدف خاص و هنگامی که همسالان یا همبازی‌های این علائم را دریافت کردند پاسخ آنها را ارسال می‌دارند و فرد متوجه می‌شود تا چه حد مقبولیت دارد. به بیان دیگر واکنش دیگران به او می‌گوید که چگونه است، البته ناگفته نماند که تفاوت‌های فردی در روابط گروهی اثرات قابل ملاحظه‌ای دارد. در واقع حساسیت کودکان در برابر تاثیرات اجتماعی، متفاوت است، یعنی گروه در بعضی از کودکان بیشتر از بقیه تاثیر می‌گذارد. کودک «تنها» یعنی کسی که بیشتر وقت خود را به مطالعه یا اندیشه یا بازی انفرادی می‌گذراند، یا در مغازه به پدرش کمک می‌کند، در مقایسه با کودکی که رهبر کودک است و بیشتر اوقات خود را با دیگران می‌گذراند تاثیرات اجتماعی بسیار کمتری دریافت خواهد کرد. از سوی دیگر تحقیقات نشان می‌دهد که تاثیر کودکان در یکدیگر از تاثیر بزرگسالان در کودکان زیادتر است، هر چند این تاثیرات کودکان مدت باشد. این تفاوت به تفاوت‌های دو دنیای کودکان و بزرگسالان بستگی دارد. هم چنین دو مقایسه تاثیر معلم یا تاثیر همگنان باز هم گفته می‌شود تاثیر همگنان در واقع تحقیق نشان داده است که اگر بین خواسته‌های معلم و همگنان تعارض به وجود آید، کودکان در این مواقع تسلیم همگنان می‌شوند. هر چند بهتر است گفته شود، که تاثیر والدین، معلمان و همگنان مکمل یکدیگر (شعاری نژاد، ۱۳۶۴).

### ۳- رشد اجتماعی نوجوان

رشد اجتماعی در مرحله نوجوانی - مانند دوران کودکی - دارای خصایص اساسی است یکی از ویژگی‌های بارز روند نوجوانی، اجتماعی شدن است. نوجوان مراحل مختلفی را طی می‌کند تا به اجتماعی شدن دست یابد. این مراحل عبارتند از:

#### جدایی از خانواده، به منظور مستقل شدن

در این مرحله، نوجوان در حالت خود میان بینی قرار می‌گیرد و سعی می‌کند خود را پیدا کند. در این مرحله ابتدا از مادر سپس از پدر فاصله می‌گیرد. توانایی‌های ذهنی جدیدی از خود نشان می‌دهد و به سطح خود می‌رسد. تغییرات گسترده ارتباطی خود را درونی می‌کند. نوجوانی که ارتباط عاطفی شدیدی دارد و والدین نیز تمایل به فاصله گرفتن او ندارند در زمینه شکل‌گیری هویت اجتماعی با مشکل مواجه خواهند شد.

#### دوست‌یابی و همانند سازی با دوستان

روابط با دوستان هم جنس قوی می‌شود که این آغاز شکل‌گیری هویت اجتماعی است. دوست‌یابی و همانند سازی با دوستان موجب شکل‌گیری مناسبات اجتماعی و کشف هویت اجتماعی است. ارتباط و همانند سازی با بزرگسالان تا حدی برای او مشکل است زیرا در این روابط نمی‌تواند استقلال عمل خود را بروز دهد.

نوجوانان در این مرحله دوستانی را انتخاب می‌کنند که در بسیاری از زمینه‌ها به شکل هم‌وجه مشترک داشته باشند و با آنها راحت بتوانند همانند سازی نمایند، به عبارت دیگر نوجوان در زمینه ارزشها، باورها، نگرشها و اعتقادات با دوستان خود همانند سازی می‌کند تا با کمترین تضاد با آنها همخوانی داشته باشد. از این طریق نوجوان نشان می‌دهد که خواستار فضای آرام و در محیط دوستانه است. در زمینه سرگرمیها و اوقات فراغت نیز با هم‌وجه مشترک دارند. صمیمیت و وفاداری نسبت به دوستان در این دوره از اهمیت بسزایی برخوردار است (برخلاف دوره کودکی) نوجوان با بینش و آگاهی با دوستان خود صمیمیت برقرار می‌کند. بنابراین دوست‌یابی و همانند سازی با دوستان موجب شکل‌گیری مناسبات اجتماعی و کشف هویت اجتماعی نوجوان خواهد شد، یعنی تمرین ارتباط اجتماعی و اجتماعی شدن، از طریق گروه همسالان صورت می‌گیرد. هویت اجتماعی بخش مهمی از هویت نوجوان می‌باشد. نوجوان از طریق هویت اجتماعی در دوره جوانی به موفقیت‌های بسیاری دست می‌یابد و نداشتن هویت اجتماعی موجب انزوا و عدم توفیق او در دوره جوانی خواهد شد. به طور مثال شخصی که فرصت شغلی بدست

آورده می‌تواند با هویت اجتماعی خود وارد اجتماع شده، با همکاران ارتباط صمیمی برقرار کند، با دوستان و اقوام ارتباط داشته باشد و همکاری مناسبی با دیگران داشته باشد. در این مرحله والدین باید به نوجوان فرصت ارتباط با دوستان را بدهند تا هویت اجتماعی نوجوان شکل بگیرد و به خود میان بینی نوجوان احترام بگذارند. زیرا نوجوان از طریق خودمحوری هویت خود را می‌شناسد، تجزیه و تحلیل ارتباطات خود با والدین و اطرافیان می‌پردازد، به تثبیت موقعیت خود می‌پردازد و در نتیجه بر اساس موقعیت خود به برقراری ارتباط با دیگران همت می‌گمارد. در اینجا باید اطلاعات کافی به نوجوان عرضه شود. از آنجا که رشد شخصیت تاثیر بسیاری در شکل‌گیری هویت اجتماعی فرد دارد، باید به تاثیرگروه در شخصیت نوجوان توجه بسیاری نمود. مثلاً شخصیت‌های برون‌گرا به راحتی با دوستان ارتباط برقرار می‌کنند و خود را با آنها هماهنگ می‌کنند. بنابراین شکل‌گیری هویت اجتماعی آنها نسبت به دیگران سریعتر شکل می‌گیرد. در حالی که شکل‌گیری هویت اجتماعی افراد درون‌گرا به کندی صورت می‌گرفت. بنابراین خانواده و مدرسه نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری هویت اجتماعی نوجوان ایفا می‌کنند. خانواده باید اطلاعات کافی در زمینه مسائل اجتماعی را به نوجوان انتقال دهد و مدرسه گام‌های موثری در هویت اجتماعی نوجوان بردارد. در دوره نوجوانی به خصوص در اواخر این دوره، احساس عدالت مقایسه‌ای شکل می‌گیرد و فرد علاقمند رفتار عادلانه افراد نسبت به خود می‌باشد. نوجوانان معمولاً در این رابطه، والدین دوستان خود را برای پدر و مادرشان مثال می‌زنند و در این زمینه با آنها به بحث و گفتگو می‌پردازند. مثلاً رفتار آنها، وضعیت شغلی، اقتصادی آنها، وضعیت ظاهری آنها را به رخ والدین خود می‌کشانند. یا رفتار والدین خود را با خواهر و برادران و خود وی مقایسه می‌کنند و خواهان عدالت و رفتار درست والدین و اطرافیان می‌باشند. به این ترتیب شکل‌گیری مفهوم عدالت در محیط خانواده شروع شده و در زمینه‌های دیگر اجتماع رشد می‌یابد. در مرحله ورود مجدد به اجتماع نوجوان سعی بر کاهش روابط شدید گذشته با گروه همسالان را دارد و این موجب ایجاد ارتباطات دیگری در زمینه‌های مختلف اجتماعی می‌گردد و چنانچه این روند به خوبی پیش برود شاهد هویت منسجمی در پایان نوجوانی خواهیم بود و پس از طی مراحل نوجوانی، تمرینات زیادی انجام داده، کسب تجربه نموده، مهارت‌های لازم برای برقراری ارتباطات اجتماعی را بدست آورده و می‌تواند نقش‌های مختلف اجتماعی از قبیل همسر، دانشجو، سرباز، شاغل و... را ایفا نماید (ستوده، ۱۳۸۵، ص ۲۳).

#### ۴- ماهواره

ماهواره‌ها بخش مهمی از زندگی مدرن امروز به شمار می‌روند. ما هر روز از آن‌ها استفاده می‌کنیم بدون آنکه به ارزش آن‌ها پی ببریم. پیش‌بینی وضعیت جوی هوا، اخبار حوادث که هر لحظه در اقصی نقاط جهان روی می‌دهند. تلفن‌های راه دور و سیستم ارتباطی از طریق اینترنت توسط ماهواره‌ها ارسال می‌شوند. در واقع ماهواره شی‌ای است که پیرامون چیز دیگری می‌چرخد یا گردش می‌کند. مثلاً ماه قمر، (ماهواره) طبیعی کره‌ی زمین محسوب می‌شود. اما وقتی ما در مورد ماهواره‌ها صحبت می‌کنیم معمولاً منظورمان اشیاء مصنوعی یا دست‌ساز انسان است که به فضا پرتاب می‌شوند و در مدار زمین به گردش در می‌آیند. هر ماهواره در اعماق فضای ساکت و تاریک و در فاصله‌ای کیلومترها دورتر از زمین، بالای سرمان می‌چرخد. اما خود ماهواره به دور از این سکوت حاکم در فضاست. زیرا هر ثانیه هزاران علایم رادیویی را از زمین دریافت می‌کند و یا هزاران علایم رادیویی را در هر ثانیه به زمین ارسال می‌کند این روزها آمارهای ضدو نقیضی از درصد استفاده کنندگان از ماهواره در کشورمان به گوش می‌رسد که از میان این آمار در خوشبینانه‌ترین حالت حدود ۱۵ درصد و در بدبینانه‌ترین گمانه‌زنی‌ها حدود ۵۰ درصد از خانواده‌های ایرانی از ماهواره استفاده می‌کنند، بی‌شک خانواده‌های استفاده‌کننده از

ماهواره را می توان قربانیان تبعات بسیار بد و پرهزینه برای جامعه دانست، در این نوشته سعی می کنیم که مقداری از تبعات سوء استفاده از ماهواره را بیان کنیم (نوری، ۱۳۸۹، ص ۸۴).

## ۵- گرایش به ماهواره در خانواده و علل آن

برنامه‌های ماهواره و استقبال غیر معمول آن را باید معلول چند عامل دانست: نخست، تمایل خانواده های ایرانی به دیدن سریال و ترجیح آن به سایر برنامه‌ها، تا جایی که بسیاری از شبکه‌های ماهواره‌ای اکنون به پخش سریال اقدام نموده‌اند.

دوم، تمرکز شبکه‌های ماهواره‌ای بر حوزه‌هایی از زندگی اجتماعی که جزو حوزه‌های ممنوع و بعضاً تابوهای جامعه ایرانی به شمار می‌روند، مانند روابط آزادانه با جنس مخالف؛ نوشیدن مشروبات الکلی در مواقع جشن و غم؛ عدم تقید به ظواهر مذهبی و اکتفا به نیت پاک؛ روابط نامتوازن میان افراد دارای اختلاف سنی بسیار، و مواردی از این قبیل. در حقیقت با دیدن برنامه‌های این شبکه‌ها، نوعی سطحی‌نگری و بی‌قیدی مشهود در بیننده رشد می‌یابد که چندان هم آزردهنده نیست.

سوم، بیننده ایرانی در بسیاری موارد به خود حق می‌دهد تا ذهن خسته از کار روزانه و یا درگیری‌های اقتصادی و اجتماعی خود را با دیدن برنامه‌هایی بدون محتوا، اما سرگرم کننده و جذاب، هر چند مضر آرام نماید. چهارم، وجود برخی سریال‌های کم جاذبه و غم بار داخلی که فاقد پاسخگویی به نیاز سرگرمی و رفع خستگی برای دسته از مخاطبان ایرانی است. چرا که قدرت فوق‌العاده‌ای روی اذهان آدمی دارد، قدرتی که تاکنون سابقه نداشته است. اگر در مقابل نفوذ آن مقاومت نکنیم، ما را از جاده تمدن دور خواهد کرد (منادی، ۱۳۸۵: ص ۲۳).

## ۶- تاثیر شبکه‌های تلویزیونی ماهواره ای بر روی جوانان

### ۶-۱- القای ضد هنجارها به جای هنجارها

شبکه‌های ماهواره‌ای قادرند احساس شخص از واقعیت را تغییر دهند و با تأثیرگذاری بر افکار و روان مخاطبان خود، به راحتی نوع دیدگاه و سلیق و حتی توقعات مردم را متحول سازند. گریز، معتقد است درس‌هایی که بینندگان از تلویزیون می‌آموزند، احتمالاً در آینده پایه‌هایی برای جهان‌بینی وسیع آن‌ها می‌شود. تلویزیون منبع معناداری از ارزش‌های عمومی، عقاید قالبی، ایدئولوژی و دیدگاه‌ها را به مخاطبان تحمیل می‌کند. تلویزیون نه تنها قواعد و قوانین حاکم بر ارتباط و تعامل بین انسان‌ها، بلکه نگرش انسان‌ها را نسبت به خود، دیگران و جهان تغییر می‌دهد. این واقعیت را نباید نادیده گرفت که ارزش‌های غیراخلاقی به راحتی از طریق ماهواره در قالب قواعد و هنجارها و نمادها قابل پیاده شدن در محیط خانواده است. ماهواره با توجه به توانمندی‌هایی که دارد، یکی از عوامل بسیار مهم دگرگونی ارزش‌ها و باورهاست، چه اینکه قادر است با برنامه‌ریزی‌های دقیق و کنترل شده، اندیشه‌های مردم یک جامعه را شکل داده و رفتار آنان را به صورت دلخواه سمت‌وسو دهد. شبکه‌های ماهواره‌ای در قالب برنامه‌ها و آگهی‌ها، ارزش‌های متفاوتی چون فرهنگ برهنگی، مصرف‌گرایی، تجمل‌پرستی، ترویج بی‌مبالاتی اخلاقی و... را به نمایش می‌گذارند و رفته رفته فرهنگ وقار و پوشیدگی به فراموشی سپرده می‌شود. رقابت برای عرضه هر چه بیشتر جذابیت‌های جنسی، به فرهنگ غالب در شبکه‌های ماهواره ای تبدیل شده، «در این جاست که شخصیت انسان نقش بازی می‌کند. یعنی، هنجارها و ارزش‌هایی که فرد درونی کرده، در اینجا خود را نشان می‌دهد.» (منادی، ۱۳۸۵: ص ۳۴) بینندگان هم به تدریج از چنین ارزش‌گذاری‌هایی متأثر شده و برای عقب نماندن از ارزش‌های پیشرفته جوامع غربی، ارزش‌های دیگری

را چون برهنگی و سبک آرایش و لباس خاص و... را «به صورت عادت در خود، درونی و بخشی از جسم خود کرده و با خود همراه می‌کنند». از این طریق ارزش‌های متفاوتی مغایر با ارزش‌های دینی و اسلامی جامعه به وجود آمده، سبب پیدایش رفتارهای ناپه‌نجانانه از سوی مخاطبان خواهد شد. در این صورت است که تضعیف ارزش‌ها در خانواده موجب تضعیف پیوندهای عاطفی در میان اعضای آن می‌شود. قدرت تأثیرگذاری ماهواره محدود به تغییر ارزش‌ها تنها در حوزه تضعیف ارزش‌ها و ارزش‌های جایگزین در رفتار بینندگان نیست، بلکه این رسانه قادر است در حوزه‌های مربوط به حریم‌های خصوصی افراد نیز به طور خاص، تغییراتی ایجاد کند. «و گاهی به فرد بدون اینکه در جریان باشد، تحمیل می‌شود، یعنی وجدان آدمی را دستکاری می‌کند». چنین تغییراتی، بسترهای مناسبی برای آسیب‌رسانی علیه خانواده و پیامدهای ناگوار آن فراهم می‌سازد. مسئله مهم اینجاست که یک رسانه هیچ‌گاه ابزار خشنی و یک میانجی بی‌طرف در ارائه تصویر به حساب نمی‌آید. رسانه، متکی به زبان و معناست و زبان و معنا نیز در چارچوب گفتمان، همواره متکی بر قدرت است. لذا بازنمایی حوادث توسط رسانه‌ها، جدای از بحث اخلاقی و غیراخلاقی بودن آن، سوگیری ایدئولوژیک دارد و در راستای تضعیف یا تثبیت قدرت و گفتمان ویژه‌ای گام برمی‌دارد. سیاست جامعه و خط فکر حاکمان نیز، به پشتوانه ایدئولوژی‌ها و یا با توجه به دستاوردهای روشنفکران، جامعه را به سمت و سوی خاصی هدایت می‌کنند. بدین سان، انسان در کنش متقابل با جامعه بوده و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم متأثر از جامعه است و جامعه متأثر از فرهنگ و شیوه حکومت و سیاست حاکم بر جامعه، می‌باشد. به عبارتی، انسان، خانواده و جامعه تا حدودی در یک راستا و در ارتباط می‌باشند؛ به این معنی که حاکمیت، سعی در نهادینه کردن ارزش‌ها و خواسته‌های خود، نزد مردم دارد. عده‌ای پذیرای این ارزش‌ها شده و در جهت خواسته حاکمیت حرکت می‌کنند. عده‌ای براساس معیارهای خود به مخالفت با آن‌ها پرداخته و نقش نهادی شونده را ایفا می‌کنند. به این معنی که علاوه بر طرد ارزش‌های نظام موجود، سعی در معرفی و نهادینه کردن اندیشه خود دارند (ستوده، ۱۳۸۹: ص ۵۱). «آنچه مشاهده‌گران هنگام نگاه کردن به شیء یا منظره‌ای می‌بینند و تجارب عینی که به دست می‌آورند، صرفاً توسط تصاویر منقوش بر شبکه آنان تعیین می‌گردد، بلکه تجربه، معرفت، انتظارات و وضعیت عمومی درونی مشاهده‌گر را نیز در برمی‌گیرد». شبکه‌های ماهواره‌ای، هویت تازه‌ای به مخاطبان خود می‌بخشند و آن‌ها را وامی‌دارند تا ارزش‌های غلط و فاسد را جایگزین ارزش‌های اخلاقی دانسته و در حفظ و ثبات آن‌ها تلاش کنند. چراکه زبان تصویر، قدرت فوق‌العاده‌ای در جهت تحکیم یا تضعیف ارزش‌ها دارد. از این‌رو، برنامه‌های ماهواره در کشورهای سازنده، شاید مناسب حال مردم آن جامعه و در جهت سیاست‌های حاکم بر آن باشد، ولی در جامعه‌ای با روابط ارزش‌ها و هنجارها متفاوت؛ نتیجه عکس داشته و هنجارهای جامعه اسلامی را مورد هجوم قرار می‌دهد و کارکردهای خانواده را دچار تغییر می‌کند که اگر به درستی مدیریت نشود، خانواده‌ها دچار تزلزل خواهند شد. وقتی نظام ارزشی، هنجاری در خانواده تغییر کرد، نمودش را در جامعه نشان می‌دهد. پس با نگاهی گذرا می‌توان دریافت، خانواده‌هایی که پای سریال‌های کانال‌های ماهواره‌ای می‌نشینند به گمان خویش، صرفاً جهت پر کردن اوقات فراغت از آن‌ها استفاده می‌کنند؛ اما با تکرار یک سری هنجارهای برون‌مرزی که با فرهنگ بومی جامعه اسلامی سازگاری ندارد، ضربه سنگینی به خانواده خود وارد کرده، «به این ترتیب، فرزندان (نیز) علاوه بر اینکه هنجارها و ارزش‌های مطرح شده توسط والدین را می‌پذیرند، به مرور زمان تغییراتی جزئی نیز ممکن است در آن‌ها به وجود بیاورند. بدین ترتیب با این عمل دست به تعریف جدیدی از شکل واقعیت می‌زنند» (منادی، ۱۳۸۵: ص ۸۴). واقعیتی که توسط رسانه به گونه‌ای خاص در ذهن بینندگان دستکاری شده است. از این‌رو، «بین ساعات تماشای تلویزیون و واقعیت‌پنداری در برنامه‌های تلویزیونی ارتباط مستقیم وجود دارد. یعنی بیندگانی که ساعات زیادی از روز را به تماشای تلویزیون می‌نشینند، اطلاعات و ایده‌ها را طبقه‌بندی کرده و با تأثیر رسانه، چیزی را تولید می‌کنند که «پرورش»

نامیده می‌شود. الگوهای مختلف پرورش افراد همراه با ارزش‌ها و انتظارات متعارض باعث الگوپذیری متفاوت و گاه متضاد در افراد می‌گردد. افراد در مسیر زندگی اجتماعی خود ارزش‌هایی را در خود نهادینه می‌کنند، که ممکن است به محض ورود الگوها و ارزش‌های جدید، این الگوها به راحتی از بین رفته، گرایش به الگوها و ارزش‌های جدید پیدا شود و حالت ناپه‌نچار در جامعه شکل گیرد. چرا که در این شرایط الگوهای قدیمی دیگر کاربرد نداشته و الگوهای جدید جایگزین می‌شود. این جابه‌جایی به حدی است که تغییرات در یکی، دیر یا زود، تغییرات در دیگری یا دیگران را به دنبال خواهد داشت، خواه جهت حرکت آن‌ها همگن، یعنی به یک سو باشد، یا در جهت عکس یکدیگر حرکت کنند. به این ترتیب، «ارزش‌های خانوادگی با این که در برابر دگرگونی‌های اجتماعی - فرهنگی مقاومت می‌ورزند، به ناگزیر سست شده و به تدریج به نفع هنجارهای تازه کنار می‌روند.» ارزش‌های جدید مانند ارضای لذت‌جویانه خواهش‌های جنسی وارد خانواده شده است و در تعارض با ارزش‌های کهن، بی‌سازمانی خانواده را به دنبال دارد. در این صورت، اعضای خانواده، خویش را به رسانه‌ای می‌سپارند تا از آن فرهنگ بیاموزند، غافل از اینکه در درازمدت، ارزشها و هنجارهای جدیدی را در خویش نهادینه می‌کنند که مغایر با فرهنگ جامعه خویش بوده و دیری نمی‌پاید که تأثیر مخرب آن را بر ذهن و روان خویش را احساس خواهند کرد. (بخارایی، ۱۳۸۵: ص ۴۸).

به طور کلی، تلویزیون‌های ماهواره‌ای، فیلم‌ها و مجموعه‌هایی را که بیشترین بیننده را از طیف‌های گوناگون در سراسر جهان دارند، با ترکیبی از چند موضوع و عامل، در قالب‌های گوناگون عرضه می‌کنند:

- خدشه‌دار کردن هر آن چه برای انسان‌ها تاکنون مقدس و خدشه‌ناپذیر بوده است.
- محور قرار دادن برهنگی زنان و شهوت‌گرایی مردان و خلاصه کردن رابطه زن و مرد به مسأله لذت جنسی.
- القای ناامیدی از آینده بشریت و ایجاد یأس از روند تاریخ و حرکت جوامع بشری.
- توجیه خشونت‌های وحشیانه به مثابه راه حل نهایی برای رفع اختلافات میان انسان‌ها.
- عادی جلوه دادن توطئه‌های رنگارنگ، فتنه‌گری‌ها، کلاه برداری‌ها و همه رذایل اخلاقی در قالب ارتباط میان شخصیت‌های فیلم‌ها که موجب بدبینی و سوء ظن در بیننده نسبت به دیگران می‌شود.
- ترویج فحشا و منکرات در زشت‌ترین نوع آن در قالب داستان‌های جذاب و به کمک توجیهات روانشناسانه، نظیر انواع تجاوزات جنسی، هم جنس بازی و...
- القای برتری فرهنگی، سیاسی غرب در برابر دیگر ملل و کشورها و ترویج افکار انسان‌مداری به جای خدا محوری و طرد اندیشه‌های الهی که هدف از زندگی را تنها در آزادی بی قید و شرط انسان و دستیابی به خواسته‌ها و لذات مادی خلاصه می‌کند.

## ۶-۲ ماهواره به منبعی مهم برای الگوپذیری

چنان که گفته شد، تأثیر برنامه‌های ماهواره بر افکار و عملکرد مخاطبان به ویژه از نظر تربیتی و جامعه‌پذیری، امر روشنی است. کانال‌های ماهواره‌ای موجب می‌شوند که زنان و دختران جوان، با دیدن فیلم‌ها و سریال‌های شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان مانند شبکه فارسی وان، با حس همذات‌پنداری، به تقلید از نوع پوشش و آرایش هنرپیشگان برآمده و سعی در هر چه شبیه‌تر کردن خود با آنها کنند. شبکه‌های ماهواره‌ای «به واسطه معرفی الگوهای ذهنی و عملی رفتار، در گذر از برنامه‌های مختلف، معرفی شخصیت‌ها و سمبل‌های مطرح شده، شخصیت‌های سریال‌ها، فیلم‌ها و... پس از مدتی تعدادی از این الگوها را در بینندگان خود درونی می‌کنند»، به نوعی که بینندگان مطابق «نظریه الگوسازی که بر تقلید مخاطب از الگوهای رفتاری ارائه

شده از رسانه‌های تصویری تأکید دارد؛ الگوی رفتاری را مشاهده کرده، و در صورت همزادپنداری یا تمایل به همزادپنداری در موقعیت مشابه، رفتار الگو را به خاطر آورده و آن را بازتولید می‌کنند. یادگیری از راه مشاهده، یکی از تئوری‌هایی است که رفتار الگوهای بینندگان را در بروز رفتارهای نابهنجارانه تبیین می‌کند. الگوهایی که امروزه افراد برای خود برمی‌گزینند و از رفتارهای آنها پیروی می‌کنند، الگوهایی هستند که رفتار آنها با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی انطباق ندارد. بندورا معتقد است عوامل مختلفی کنترل رفتار انسان را در دست دارد که سبب بروز چنین رفتارهای نابهنجارانه ای می‌شود. اغلب سریال‌های به ظاهر خانوادگی شبکه‌هایی مانند شبکه فارسی وان حاوی داستان‌هایی از عشق‌ها و روابط نامتعارفی است که بیننده را بعد از مدتی به طور غیر ارادی و ناخودآگاه وادار به همسان‌سازی زندگی واقعی و شخصی خود با تصاویر پخش شده می‌کند. مصادیقی چون خیانت به همسر، افزایش سن ازدواج، بی‌تفاوتی به حریم خانواده و بی‌بندوباری فکری و فرهنگی در جامعه، نمونه بارزی از نتیجه الگوپذیری از الگوهای غلط برنامه‌های ماهواره‌ای است (مریجی، ۱۳۸۳: ص ۹۴).

رسانه خود را با سرعت ناباورانه‌ای به عنوان بخشی از فرهنگ جامعه به خانواده‌ها عرضه می‌کند. بدین شیوه «رسانه‌ها به منبعی مهم برای الگوپذیری تبدیل می‌شوند» و برنامه‌سازان تلاش می‌کنند تا با بهره‌گیری از برنامه‌ها هر باور و ایده‌ای را که خود تشخیص می‌دهند، در قالب رفتارهای فردی و اجتماعی مخاطبان عرضه کنند و مخاطبان را به سمت الگوهای سوق دهند که «این الگوها می‌تواند الگوهایی متمایز از الگوهای غالب و مسلط در جامعه باشد. اثرگذاری ماهواره بر ارتباط عاطفی زوجین شبکه‌های ماهواره‌ای، با پوشش جهانی که بیشتر در غرب و کشورهای صنعتی مستقر است، با برنامه‌ریزی هدفدار سعی می‌کنند با تأثیرگذاری بر افکار خانواده‌ها و برهم زدن آرامش خانواده‌ها، بسترهای ذهنی و فرهنگی تأمین منافع خود را فراهم سازند. چرا که فناوری‌های نوین ارتباطی \_ اطلاعاتی با فراهم آوردن امکان پیدایی جامعه، شبکه‌ای از افراد و جوامع را در قالب‌های تازه، هویت‌های تازه‌ای بخشیده‌اند (ستوده، ۱۳۸۹: ص ۹۱).

گسترش و استفاده افراطی ماهواره‌ها با کارکرد متنوع و دگرگون‌سازی‌های پیوسته خود، رفته‌رفته سبب آسیب پذیر شدن پیوند عاطفی خانواده‌ها شده و استحکام خانواده را به مخاطره می‌اندازند. در این صورت خانواده، قوی‌ترین عامل دوام و رشد خود را که عاطفه و صمیمیت میان اعضاست، به فراموشی می‌سپارد. برنامه‌های ماهواره به تدریج جای ارتباط بین فردی از نوع چهره به چهره را گرفته و توانسته‌اند فضای انفرادی را به جای فضای جمعی و اجتماعی خانواده حاکم کنند، به گونه‌ای که در ابتدا به افزایش فردگرایی و کاهش جمع‌گرایی منجر شده و با رخنه در محیط گرم خانواده ترویج مفاسد دینی، عفاف زدایی و ایجاد حس رقابت زن و شوهر نسبت به یکدیگر، عامل مهمی در آسیب رساندن به انسجام خانواده شوند. در کشور ما بیش‌ترین مخاطبان تلویزیون را زنان تشکیل می‌دهند. همین باعث شده برنامه‌های این نوع شبکه‌ها با هدف قرار دادن شخصیت زن و القای فرهنگ غربی تا حدود قابل ملاحظه ای بتوانند شخصیت حقیقی زن مسلمان ایرانی را متزلزل ساخته و بنیان خانواده را به شدت تضعیف کنند. در شبکه‌های ماهواره‌ای شدت بخشیدن به رقابت‌های اقتصادی میان زن و مرد به جای پیوندهای عاطفی مستحکم نشسته و ارائه تعریف نادرست از زندگی مشترک، موجب شده تا مفهوم عشق و اعتماد و تعهد به رقابت و سوءتفاهم تبدیل شود. به نحوی که در حال حاضر کاهش ارتباطات کلامی «که از ساده‌ترین نوع مناسبات انسانی در خانواده محسوب می‌شود»، (محمودیان، ۱۳۸۹: ص ۵۹).



## ۳-۶- ماهواره ترویج ازدواج های سفید

در سال‌های اخیر پدیده «ازدواج سفید» یا «هم‌باشی سیاه» به شکلی نمایان‌تر از گذشته در جامعه رواج یافته تا جایی که برخی از دختران یا پسران جوان برای این امر به انتشار آگهی روی آورده‌اند. آگهی‌هایی که در آن بی پروا و آزادانه درخواست خود را برای هم‌خانه شدن با جنس مخالف ارائه داده و شرایط حضور در این نوع رابطه را تمام و کمال قید می‌کنند. در این نوع از هم‌باشی که به ازدواج سفید معروف شده، دو طرف هیچ تعهدی برای کنار هم ماندن ندارند و در واقع به شکلی غیررسمی زندگی دو نفره خود را آغاز می‌کنند.

تأثیر خانواده حداقل در دو بعد قابل توجه است. یک جنبه، مربوط به ثبات در الگوهای رفتاری خانواده است که منجر به سالم سازی الگوهای ارتباطی خانواده می‌شود، و دیگری بحث تحکیم و ثبات شخصیتی افراد خانواده است. تلویزیون‌های ماهواره ای با هدف قراردادن تحکیم خانواده، هم الگوهای رفتاری خانواده و هم شخصیت افراد را به سوی سستی و تزلزل هدایت می‌کنند. یکی از الگوهایی که ماهواره برای مخاطبان خویش در نظر می‌گیرد، تبلیغ آزادی‌های نامحدود و زندگی مشترک بدون ازدواج یا وصلت آزاد است که عملاً نوعی ازدواج بدون پیوندهای قانونی یا شرعی است. ترس از آسیب دیدن، آرزوی قابل قبول بودن و به خصوص میل به آزادی جنسی و فرار از مسئولیت، چیزهایی است که از نارسایی بلوغ عاطفی سرچشمه می‌گیرد. گاهی ترس از دست دادن عشق، شخص را وامی‌دارد تا امنیت یک پیوند تضمین شده و قانونی را از محبوبش دریغ کند. وصلت آزاد با داشتن فرزند نامشروع، اغلب مبتنی بر تمایل خودخواهانه فرد به دارا بودن اولاد است، ولی با این فرق که ضمناً می‌خواهد امکان حذف طرف مقابل را هم برای روزی که احیاناً چنین ضرورتی پیش آید، از دست ندهد. به این ترتیب، الگویی که سازندگان برنامه‌های ماهواره‌ای بر اساس چنین تفکری در نظر گرفته اند، ارضای غریزه جنسی جوانان از طریق «انتخاب دوست» است که در غرب روشی معمول به حساب می‌آید و آغازگر یک زندگی مشترک بدون ازدواج است. غیررسمی شدن ازدواج که به عنوان یک فرهنگ وارداتی به خصوص در شهرهای بزرگ پدید آمده، به معنی کم‌رنگ شدن هنجارهای اجتماعی است که رفتار مردم را در رسوم معمول جامعه، مانند ازدواج تعریف می‌کنند. در تحولات گسترده اجتماعی، افراد قادر نیستند به درک مطلوبی از ازدواج و چگونگی رویارویی با آن برسند (اعزازی، ۱۳۹۰: ص ۷۱).

از دیدگاه «شرلین»، باتبدیل زود هنگام ازدواج از حالت عرف به یک دوستی و همدمی، ازدواج، به ازدواج فردی مبدل شده و در ازدواج فردی، هدف افراد بیشتر رفاه است. این کار، آسان‌ترین روش بدون تحمل تکالیف ازدواج و ضرورت خانه‌داری به صورت رسمی است. در این روش «کسی حق ندارد آزادی جنسی را محدود کند و تحت ضابطه‌ای در بیاورد؛ زیرا خلاف آزادی محسوب می‌شود. قانون، حقوق افرادی را که با هم زندگی می‌کنند، همانند حقوق زوج‌های متأهل به رسمیت شناخته است. با وجود این، هنوز تشکیل خانواده بدون ازدواج به عنوان جایگزین قابل توجهی برای ازدواج تثبیت نشده است» (گیدنز، ۱۳۸۱: ص ۶۴).

برنامه‌های ماهواره‌ای با ترویج این الگوی ناپهنجار باعث می‌شوند دختران و پسران جوان خود را ملزم به تشکیل خانواده نبینند و ترجیح دهند که این شکل از الگوی تشکیل خانواده را تجربه کنند. الگویی که این شیوه از زندگی را در همه جوامع، طبیعی جلوه می‌دهد و سعی در تغییر بنیان‌های فکری مخاطبان دارد. «طبیعی‌سازی به فرآیندی اطلاق می‌شود که از طریق آن ساخت‌های اجتماعی، فرهنگی به صورتی عرضه می‌شوند که گویی اموری طبیعی هستند. طبیعی‌سازی، دارای کارکرد ایدئولوژیک است. در فیلم و تلویزیون، دنیا به صورت طبیعی به شکل دنیایی سفید، بورژوازی و پدرسالار نشان داده می‌شود و بر این اساس طبیعی‌سازی وظیفه تقویت ایدئولوژی مسلط را بر عهده می‌گیرد. گفتمان‌های طبیعی‌سازی (در رسانه) چنان عمل

می‌کنند که نابرابری‌های طبقاتی، نژادی و جنسیتی به صورت عادی بازنمایی می‌شوند. تصویر زن به شکل موجود درجه دوم و ابژه نگاه خیره مرد نشان داده می‌شود» (هیوارد، ۱۳۸۱).

از دید این رسانه‌ها، انسان موجودی است که تنها به دنبال تنوع و آزادی جنسی خویش است و چنین امری از نگاه رسانه، کاملاً طبیعی است و باید بدین گونه باشد. رسانه با طبیعی سازی، واکنش‌های غیراخلاقی را به اموری کاملاً طبیعی، عادی، خودآگاه و مطابق با عقل سلیم نشان می‌دهد و مخاطب با بازنمایی چنین تصاویری به درک و معنایی متفاوت از زندگی دست می‌یابد و زندگی را دستخوش تغییرات بسیاری می‌سازد. بدین شکل نخستین نهاد تربیتی جامعه دچار تحول شده، «در چنین زمینه اجتماعی، طلاق گسترش می‌یابد، اخلاق انسانی سقوط می‌کند و امنیت در روابط انسانی کاهش می‌یابد. ازدواج دیگر پیوند مقدسی نیست، بلکه رابطه‌ای است که مانند سایر روابط اجتماعی می‌تواند به سادگی قطع شود. شبکه‌های ماهواره‌ای که آبشخور خود را مستقیم از کشورهای غربی می‌گیرند، در پی تثبیت این الگوی ازدواج هستند. هم‌اکنون برخی دختران و پسران جوان تحت تأثیر شبکه‌های ماهواره‌ای به خود اجازه می‌دهند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند، به گونه‌ای که افزایش ارتباطات نامشروع خانوادگی از پیامدهای آن است و ارزش‌های خانوادگی که در پناه آن، ارتباطات میان زن و مرد نامحرم محدود می‌شد، کنار گذاشته می‌شود. شبکه‌های ماهواره‌ای به دنبال کانالیزه کردن جریان‌های فرهنگی هستند، تا تمام جویبارهای کوچک فرهنگی به رودخانه اصلی که جهان‌بینی آنهاست منتقل شود که نتیجه آن چیزی جز القای فرهنگ غرب به مخاطب و گریز از فرهنگ خودی نخواهد بود. در این صورت، نظام عقیدتی و فرهنگی خانواده‌ها به سهولت دچار تزلزل شده و از تبعات آن فروپاشی نهاد خانواده است (ستوده، ۱۳۸۹: ص ۸۱).

#### ۴-۶- تأثیر ماهواره بر رشد اجتماعی جوانان و نوجوانان و خالی کردن ذهن نوجوانان و جوانان از ارزش‌های فرهنگی و دینی

دیدن برنامه‌های ماهواره در جامعه در حال گسترش است و اخیراً برخی از خانواده‌ها آگاهانه یا نا آگاهانه، اوقات فراغت فرزندان خود را با برنامه‌های آن پر می‌کنند؛ اما نباید از تأثیر تماشای برنامه‌های ماهواری بر روند تحصیلی و فرهنگ ایرانی اسلامی آن‌ها غافل باشیم زیرا بیشتر برنامه‌های ماهواره به خالی کردن ذهن نوجوانان و جوانان از ارزش‌های فرهنگی و دینی می‌پردازد.

چنانچه بخواهیم تأثیرات ماهواره بر روی رشد اجتماعی نوجوانان را بررسی کنیم، باید گفت:

۱. جوانان و نوجوانان با دیدن فیلم‌های ماهواره و تأثیری که بر روی آن‌ها می‌گذارد دوست دارند به شکل دیگری باشند و از هویت واقعی خود دور می‌شوند، دخترها به شکل پسرها در می‌آیند و پسرها بر عکس، به تدریج دوستانشان کم می‌شود و دچار انزوا می‌گردند.
۲. بیشتر برنامه‌های ماهواره به تخریب نظام خانواده پرداخته است و در این بین گسترش فساد و رواج بی‌بندوباری در روابط مختلف، از جمله روابط آزاد در میان زنان و مردان کاملاً مشهود است، تماشای این گونه سریال‌ها و فیلم‌ها در زمان اوقات فراغت فرزندان، بر ذهن آن‌ها تأثیرات مخربی می‌گذارد و باعث می‌شود که نوجوانان و جوانان در خلوت خود افکار نامناسب و شیطانی را به خود راه دهند.
۳. بیشترین تأثیر شبکه‌های ماهواره‌ای بر روی نوجوانان و جوانان این است که سبب بلوغ زودرس شده و افکار آن‌ها از تحصیل دور می‌کند.

۴. برخی از شبکه های ماهواره ای که به ترویج آیین ها و مذاهب جدید مانند بهائیت و وهابیت و نیز فرقه های شیطان پرستی پرداخته است، باعث شده که نوجوانان و جوانان از معارف عظیم و سودمند دین اسلام غافل شوند و به این آیین ها روی آورند.
۵. از دیگر اثرات مخرب شبکه های ماهواره ای بر روی مخاطبان خود رشد مصرف گرایی و مد گرایی، بی بند و باری و فروپاشی بنیان خانواده ها، برهم زدن آرامش و ... می باشد. برخی دیگر از شبکه های ماهواره ای، سبک های جدید و نامناسبی از موسیقی ها را پخش می کنند که نوجوانان و جوانان در اوقات فراغت خود به این موسیقی هایی که روح و روان آن ها را مورد تخطئه قرار داده و تأثیرات بسیار نامناسبی بر اعصاب و روان آن ها می گذارد، گوش فرا می دهند.
۶. بی هویت کردن نسل جوان و ایجاد دوگانگی شخصیتی از جمله اثرات ماهواره در خانواده و نسل جوان. نکته قابل توجه این است که ابزار دشمن در حال حاضر، رسانه است که از طریق برنامه هایی که می سازد سعی دارد افکار و باورهای نسل جوان را به سمتی که می خواهد، سوق دهد.
۷. ماهواره مهمترین ابزار دشمن در جهت تأمین منافع آن است به طوری که علاوه بر آسیب هایی که ذکر شد، حس سرخوردگی و عقب ماندگی جهان سوم را به نسل جوان القا می کند تا از این طریق فرهنگ خود را برتر معرفی کند و نوجوانان و جوانان ما را غربرده کند.

### نتیجه گیری

باتوجه به یافته های تحقیق در ارتباط با تاثیر برنامه های ماهواره بر رشد اجتماعی جوانان باید گفت که این رسانه با توجه به تعریف حوزه وظایف خود یعنی حرکت در راستای سیاست های غرب علیه کشورمان از راهکارهای مختلف و همچنین از حوزه های مختلف جهت تحت تاثیر گذاری بر جوانان استفاده می کند. هر فردی در جامعه با وجود مشغله های فراوان اوقاتی برای گذراندن فراغت خود دارد، اوقات فراغت در نوجوانان و جوانان به شکل گیری شخصیت و هویت آنها کمک می کند. در بزرگسالان نیز بهتر گذراندن اوقات فراغت باعث افزایش نشاط اجتماعی و همچنین امنیت روحی آنها می شود. برخی خانواده ها از روی غفلت و ناآگاهی در زمان هایی که به اوقات فراغت فرزندان مرتبط می شود، از ماهواره استفاده می کنند و برنامه های آن را تماشا می کنند و بیشتر برنامه های ماهواره به خالی کردن ذهن نوجوانان و جوانان از ارزش های فرهنگی و دینی می پردازد. متأسفانه در سال های اخیر بیشتر برنامه های ماهواره به تخریب نظام خانواده پرداخته است و در این بین به گسترش فساد و رواج بی بندوباری در روابط مختلف، از جمله روابط آزاد در میان زنان و مردان کاملاً مشهود است. برنامه های ماهواره ای با گسترش فساد و رواج بی بندوباری، ترویج آیین و مذاهب شیطان پرستی، موسیقی های نامناسب... به تخریب نظام خانواده می پردازند.

افزایش جرایم، ترویج مدگرایی و پوشش زننده از بین رفتن روابط غیر اخلاقی در بین مردم پایین آمدن سطح رضایتمندی همسران و بلوغ زودرس و رفتار نامطلوب کودکان و نوجوانان را می توان از جمله تأثیرات ماهواره بر جوانان و نوجوانان نام برد.

## پیشنهادها

مهمترین وظیفه بر عهده خانواده است که محیط خانه را از اینگونه ابزار پاک سازد و یا حداقل بتواند افکار و باورهای فرزندان خود را به گونه ای از آموزه های دینی و فرهنگ ملی غنی سازد که تاثیر فرهنگ غرب به مراتب کم رنگ تر شود. از سوی دیگر اوقات فراغت نوجوانان و جوانان را با برنامه های سالم ورزشی، هنری و تفریحات سالم پر کنند تا گرایش آن ها به برنامه های ماهواره کمتر شود. همچنین رابطه میان والدین و فرزندان باید به حدی از صمیمیت برسد که فرزندان به پیروی از کلام والدین، خیر و مصلحت خود را در ترک دیدن این برنامه ها بدانند. و کلام آخر اینکه، تاثیرات منفی تماشایی برنامه های ماهواره ای توسط دبیران پرورشی به اطلاع نوجوانان و دانش آموزان برسد و با برگزاری جلسات اولیا و مربیان به آگاه سازی خانواده ها از مضرات تماشایی ماهواره مبادرت ورزیده شود. همچنین پیشنهاد می گردد غنی سازی اوقات فراغت نوجوانان با برنامه های بسیج، پیشتازان و انجمن های اسلامی نیاز ایشان را به مشاهده برنامه های ماهواره ای از بین برد.

## فهرست منابع

۱. اعزاز، شهلا. (۱۳۹۰). دگرگونی در نقش زنان، (مجموعه مقالات)، تهران: نشر علمی.
۲. بخارایی، سعیدرضا. (۱۳۸۵). فرهنگ مردم پسند و شهر مردم پسند، تهران: شهرمحلای جهانی، انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال ۲، شماره ۵.
۳. شعاری نژاد، علی اکبر. (۱۳۸۰). روانشناسی رشد، تهران: انتشارات اطلاعات.
۴. گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۱). جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: چاپ هشتم، نشر نی.
۵. محمدپور، احمد. اسداله، نقدی. بهزاد، نادر نژاد. (۱۳۸۹). تأثیر ماهواره بر هویت فرهنگی در کردستان ایران، دوفصلنامه تخصصی پژوهش جوانان. فرهنگ و جامعه، شماره ۴.
۶. محمودیان، شراره. (۱۳۸۹). بررسی رابطه میان نحوه استفاده از اینترنت و ماهواره با برگزاری روز دوستی، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات
۷. مریجی، شمس الله. (۱۳۸۳). عوامل مؤثر در انحراف از ارزش ها، قم: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.
۸. منادی، مرتضی. (۱۳۸۵). جامعه شناسی خانواده، تهران: نشر دانژه.
۹. نوری، اعظم. (۱۳۸۹). عوامل تضعیف استحکام خانواده، فصلنامه طهورا. شماره ۶.
۱۰. هاشمی، فرحناز. (۱۳۸۱). تغییر در قانون ممنوعیت استفاده از ماهواره روزنامه همشهری شماره ۲۷۷۹.
۱۱. هیوارد، سوزان. (۱۳۸۱). مفاهیم کلیدی در مطالعات سینمایی، ترجمه فتاح محمدی، تهران: نشر هزاره.
۱۲. شریفی، علی. (۱۳۸۲). تاثیر ماهواره بر بروز مشکلات شخصیتی، پایان نامه کارشناسی دانشگاه آزاد واحد رودهن.
۱۳. ستوده، احمد. (۱۳۸۹). تأثیر ماهواره بر هویت فرهنگی در کردستان ایران، دوفصلنامه تخصصی پژوهش جوانان فرهنگ و جامعه، دوره ۴.
۱۴. احمدی، پروین. خادمی، اعظم. فتاحی، صدیقه. (۱۳۸۸). بررسی آثار فن آوری ارتباط جدید (اینترنت، بازی رایانه ای و ماهواره) بر تربیت اجتماعی، با تاکید بر سازگاری دانش آموزان سال دوم دبیرستانهای تهران، فصلنامه اندیشه های نوین تربیتی، سال پنجم، شماره ۳.